

در شرایطی که نظام بین‌الملل بیش از هر زمان دیگری دچار آشفتگی و بحران اعتماد شده، سخن گفتن از «صلح» به یک مسئله عمیقاً سیاسی و ساختاری بدل شده است. قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده و متحدانش، با بازتولید گفت‌مان‌هایی چون «صلح از طریق قدرت» یا «بازدارندگی از مسیر جنگ» در حال بازتعریف حقوق بین‌الملل هستند. در چنین فضایی روزگشته اجلاسی به مناسبت «سال بین‌المللی صلح و اعتماد، روز بین‌المللی بی‌طرفی و سی‌امین سالگرد بی‌طرفی دائمی ترکمنستان» با حضور سران کشورها، روسای سازمان‌های بین‌المللی و نمایندگان سیاسی برگزار شد. نشست اصلی این مجمع با عنوان «صلح و اعتماد، همکاری هدف‌ها برای آینده‌ای پایدار» برگزار شد و محور آن نقش اعتماد، گفت‌وگو و دیپلماسی پیشگیرانه در مواجهه با چالش‌های روز جهان بود. اجلاس بین‌المللی صلح و اعتماد از حیث نماندن واجد اهمیت بود. ترکمنستان با اتکا به سیاست بی‌طرفی دائمی خود کوشید نقش میانجی و میزبان گفت‌وگو را ایفا کند و ایران نیز از این فرصت برای طرح مجدد انتقادات‌های خود به یکجانبه‌گرایی غرب بهره برد. به نوشته اکوایران؛ مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در سخنرانی‌اش به مصونیت اسرائیل از قواعد بین‌المللی اشاره کرد. اما پرسش کلیدی اینجاست: این گفت‌مان تا چه حد قابلیت تبدیل شدن به سیاست عملی دارد؟ تجربه سال‌های گذشته نشان داده که نشست‌های چندجانبه‌ای از این‌دست اگر به سازوکارهای اجرایی مشخص گره نخورند، اغلب در سطح بیانه‌های اخلاقی باقی می‌مانند. هرچند در سطح گفتار، روایت منسجمی از «صلح‌مبیتی بر عدالت» ارائه می‌شود اما هنوز نتوانسته‌اند این روایت را به یک ائتلاف عملی منطقه‌ای تبدیل کند که وزن واقعی در معادلات جهانی داشته باشد.

انتخاب یا اجبار؟

سفر پزشکیان به قزاقستان و ترکمنستان و دیدارهای فشرده با رهبران روسیه، عراق و پاکستان، بار دیگر نشان داد که سیاست خارجی ایران در شرایط تداوم فشارهای غرب، ناگزیر به تمرکز بر محیط پیرامونی خود است. دولت چهاردهم نیز مانند دولت‌های پیشین، «منطقه‌گرایی» را به‌عنوان ستون اصلی سیاست خارجی دنبال می‌کند؛ اما تفاوت مهم آن در تلاش برای پیوند دادن دیپلماسی سیاسی با دیپلماسی اقتصادی است. پزشکیان در راپرتی با قربانقلی بردی محمداف، رهبر ملی ترکمنستان با تأکید بر ضرورت اجرای توافقات گذشته افزود: توافقات مهمی در حوزه گاز، حمل‌ونقل، کریدورها و همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان دو کشور صورت گرفته است. با وجود این، هنوز در برخی بخش‌ها با موانع و مشکلات مواجه هستیم که رفع آنها نیازمند دستور و پیگیری جنابعالی است تا این توافقات به‌طور کامل عملیاتی شود. رئیس‌جمهوری در دیدار با سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهور ترکمنستان نیز تأکید کرد: میان ما سابقه‌ای دیرپین در حوزه‌های فرهنگی و تمدنی وجود دارد و ظرفیت‌های ما موجب برای توسعه همکاری‌ها بسیار گسترده است. پزشکیان در دیدار با عبداللطیف رشید، رئیس‌جمهور عراق گفت: سرمایه‌گذاری مشترک و توسعه ارتباطات مرزی از اولویت‌های ماست. به استنادار این اسنان‌های مرزی اختیار ویژه داده‌ایم تا از ظرفیت‌های گسترده موجود برای افزایش تبادلات استفاده شود. او همچنین اتصال خطوط ریلی میان دو کشور را اقدامی ضروری دانست و تکمیل پروژه ریلی بصره- سلیمانج را یکی از اولویت‌های اصلی ایران عنوان کرد. پزشکیان با تأکید بر اینکه جلوگیری از تقویت ارتباط علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و صنعتی میان کشورهای مسلمان، تلاش اصلی اسرائیل در منطقه است، خواستار جلوگیری از ایجاد تفرقه و تنش آفرینی شد. در ادامه ملاقات‌های دوجانبه سطح بالا در حاشیه اجلاس عشق‌آباد، در دیدار پزشکیان با شهزاد شریف، نخست‌وزیر پاکستان با اشاره به ظرفیت‌های گسترده ایران و پاکستان در حوزه‌های حمل‌ونقل، ترانزیت و توسعه زیرساخت‌های مرزی، بر پیگیری عملی توافقاتی که در سفر اخیر رئیس‌جمهوری به اسلام‌آباد نهایی شده بود، تأکید شد. پزشکیان همچنین پس از استقبال رسمی قاسم جومارت توکایف، رئیس‌جمهور قزاقستان ملاقاتی دوجانبه با همتای قزاق خود داشت. در جریان این سفر ۱۴ امضا وتبادل ۸ سند و تفاهم‌نامه همکاری میان ایران و قزاقستان نیز انجام شد و رؤسای‌جمهور دو کشور علاوه بر شرکت در نشست هیات‌های عالی‌رتبه، یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک نیز داشتند.

وعده پوتین

دیدار پزشکیان و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه اما مهم‌ترین دیدار در حاشیه این اجلاس بود که توجه‌ها را به خود جلب کرد. این دیدار بار دیگر اهمیت روابط تهران-مسکو را برجسته کرد. حمایت لفظی روسیه از ایران در مجامع بین‌المللی و رشد مبادلات تجاری، بدون تردید برای تهران اهمیت دارد. پزشکیان با اشاره به اهمیت توسعه کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب، گفت: پیگیری این مسیرها با سرعت در جریان است و قطعاً دستور شوم موجب شتاب‌گیری اجرای این پروژه‌های مهم و راهبردی خواهد شد. پوتین نیز در این دیدار تأکید کرد که ایران و روسیه در حال بررسی توسعه همکاری‌های احتمالی در زمینه انتقال گاز، برق و توسعه مبادلات در حوزه کسورزی هستند. رئیس‌جمهور روسیه با بیان اینکه در مسائل بین‌المللی نیز تماس‌ها و هماهنگی‌های نزدیکی میان دو کشور برقرار است، تأکید کرد: روسیه همواره از جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل حمایت کرده و این مواضع استمرار خواهد داشت. با این حال پس از این دیدارها و راپرتی‌های این پرسش در ذهن ایجاد می‌شود که آیا این منطقه‌گرایی از سر انتخاب فعالانه است یا واکنشی ناگزیر به انسداد روابط با غرب؟ واقعیت آن است که بسیاری از پروژه‌های مطرح‌شده از کریدورهای ترانزیتی گرفته تا سوآپ‌های انرژی، سال‌هاست روی کاغذ باقی مانده‌اند و هر بار در قالب سفرهای رسمی با ادبیاتی تازه بازتولید می‌شوند، بی‌آنکه چشم محسوسی در اجراز دیده. دیپلماسی ایران امروز بیش از هر چیز نیازمند اولویت‌بندی، تمرکز بر پروژه‌های محدود اما عملیاتی و بازتعریف روابط منطقه‌ای بر اساس منافع متقارن است. در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که سیاست منطقه‌گرایی به مجموعه‌ای از سفرها، بیانه‌ها و وعده‌های تکرارشونده تقلیل یابد.

زهرانژادبهرام در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

روند فضای مجازی نیاز به بازنگری دارد



پزشکیان پس از ۱۸ ماه هنوز رفع فیلترینگ نکرده است

مطالبه مردم رفع تبعیض درباره سیم‌کارت‌های سفید بود

معاونت زنان ریاست جمهوری در زمینه مهریه کوتاهی بزرگی کرده است

آرمان ملی- احسان انصاری: طرح مجلس درباره مهریه، افزایش قیمت بنزین، طرح تازه نمایندگان مجلس درباره حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی ... مهم‌ترین مسائل این روزهای کشور است که هر کدام با پیامدهای مختلف اجتماعی همراه بوده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این وضعیت و نوع کنشگری دولت در این زمینه با دکتر زهرا نژادبهرام استاد دانشگاه و فعال سیاسی گفت‌وگو کرده است. نژادبهرام معتقد است: «برخی از قانون‌گذاران ما هر چاکه به نفع‌شان باشد از اسلام هزینه می‌کنند. هر جالازم باشد از اقتصاد خرج می‌کنند و در مواقعی نیز از اجتماع. ظاهراً منفعت در این است که فعلاً به قانون اسلام توجهی نشود و مشکلات اقتصادی مردانی که ابتدا هنگام ازدواج تعهدات را می‌پذیرند اما بعدها به هر دلیلی هنگام جدایی از ایفای وظایف خود شانه خالی می‌کنند برطرف شود. در شرایط کنونی نیز نمایندگان

طرح تازه نمایندگان مجلس درباره حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی با چه هدفی در دستور کار قرار گرفته و چه پیامدهایی خواهد داشت؟

در همه کشورهای جهان یک نهاد مشخص مسئولیت فضای مجازی را برعهده دارد و همه تصمیمات در این نهاد گرفته می‌شود. این در حالی است که در ایران به دلیل وجود نهاد‌های موازی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی امنیت ملی و نهاد‌های دیگر در عمل مسئولیت تصمیم‌گیری از مسئولیت مشخص دولت خارج شده و در فضای حاکمیت تعریف شده است. به همین دلیل امروز افکار عمومی جامعه نمی‌داند که مسئولیت اصلی تصمیم‌گیری درباره فضای مجازی چه فرد یا نهادی است. به همین دلیل نیز نه مردم می‌توانند درخواست و مطالبات خود را در این زمینه به نهاد مربوط منتقل کنند و نه وزارتخانه‌ای که به این نام وجود دارد قدرت پاسخگویی به مطالبات مردم را دارد. این چالش نیز به دلیل بزرگ شدن دستگاه تصمیم‌گیری در کشور است. عبور از این وضعیت نیز نیازمند یک بازنگری کلی از سوی حاکمیت است که در نهایت باید مسئول تصمیم‌گیری درباره فضای مجازی را در کشور مشخص کند. در چنین شرایطی است که در مسائلی مانند رفع فیلترینگ باید دایره وسیعی از نهادها را مورد توجه قرار داد و به همین دلیل رئیس‌جمهور پس از ۱۸ ماه که از آغاز دولتش می‌گذرد هنوز نتوانسته تصمیم تعیین‌کننده‌ای در این زمینه بگیرد. به همین دلیل تصمیم‌گیری درباره فضای مجازی در کشور نیازمند بازنگری جدی است. در شرایطی که نهاد‌های موازی زیادی برای تصمیم‌گیری درباره فضای مجازی در کشور وجود دارد اینکه انتظار داشته باشیم وزیر ارتباطات در این زمینه تصمیم نهایی بگیرد و یا پاسخگو باشد بیشتر شبیه آرزو است تا واقعیت.

پزشکیان زمانی که در رقابت‌های انتخاباتی وعده رفع فیلترینگ می‌داد نمی‌دانست تصمیم‌گیری در این زمینه با چه چالش‌هایی مواجه است و با اینکه از قدرت کافی برای تعیین‌کنندگی در این زمینه برخوردار نیست؟

به هر حال رئیس‌جمهور در دوران رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری به حامیان خود چنین وعده‌ای داده و به دلیل همین وعده‌ها نیز نزدیک به ۵۰ درصد از واجدین شرایط به ایشان رای داده‌اند. آقای پزشکیان دو ویژگی بارز صداقت و راستگویی را در خود دارند. به همین دلیل اگر توانایی چنین کاری را ندارند و یا برخی در این زمینه مانع ایجاد می‌کنند ایشان باید به مردم بگویند که چه کسانی مانع از رفع فیلترینگ شده‌اند و اجازه نمی‌دهند این اتفاق رخ بدهد. آقای پزشکیان در همان زمان خطاب به مردم گفتند که اگر نتوانستند وعده‌های خود را عملی کنند دلایل آن را به مردم می‌گویند. امروز این انتظار وجود دارد که اگر آقای پزشکیان احساس می‌کند توانایی در این زمینه وجود دارد بدون هیچ پرده‌پوشی با مردم در این زمینه صحبت کند. در روزهای اخیر و پس از مطرح شدن اینکه



مجلس در حمایت از این مردان وارد عمل شده‌اند. وقتی قانون همراه مطالبات و دغدغه‌های اجتماعی پیش نرود و نتواند امنیت زنان را در خانه، اجتماع و خانواده تأمین کند زنان به طور مداوم در معرض انواع خشونت قرار می‌گیرند. تنها به این بهانه می‌خواهند تعداد مجرمان مالی را کاهش دهند. در حالی که همه چیز متناسب با تورم رشد می‌کند اما قانون ما در حال سقوط است. چنین قوانینی حقوق اولیه زنان در ازدواج را مخدوش می‌کند. نکته دیگر اینکه انتظار ما از معاونت زنان بسیار بیشتر بود. معاونت زنان اگر می‌دید که در تعامل با نمایندگان مجلس نمی‌تواند مسأله را حل کند باید از جامعه مدنی کمک می‌گرفت. با این وجود متأسفانه تمامی درها را بست و نگذاشت جامعه مدنی، فعالان حوزه زنان، انجمن‌ها و احزاب زنان وارد میدان شوند». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

شد. دولت باید بودجه نهاد‌های موازی را قطع کند و در عین حال نباید پول جدید برای کسری بودجه چاپ کند که یکی از دلایل اصلی افزایش تورم است. از سوی دیگر دولت باید به وضعیت معیشتی افشار آسیب‌پذیر جامعه توجه ویژه‌ای داشته باشد.

دیدگاه شما درباره طرح مجلس درباره تغییر سقف مهریه برای زنان واکنش دولت و به خصوص معاونت زنان ریاست جمهوری چیست؟

این قانون واقعاً قانون جالبی است. در این شرایط، هم حقوق زنان که براساس قانون اسلام مهریه تعیین شده زیر سؤال می‌رود و هم یک دغدغه و نگرانی اجتماعی به وجود می‌آید. در صورت عملی شدن این طرح هیچ تعهدی برای مردان نسبت به پرداخت مهریه که خود را ملزم می‌دانسته‌اند ایجاد نمی‌شود. جالب اینجاست که قانون‌گذار تمام تلاش خود را کرده است که نگرانی ناشی از عدم پایبندی مردان به تعهدات مندرج در قرارداد ازدواج را برطرف کند. البته این مسأله دو بعد دارد که بخشی از آن به زنان و بخشی به جامعه بازمی‌گردد. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که حدود ۱۳ تا ۱۴ درصد آنان شاغل‌اند و باقی زنان خانه‌دار هستند. در صورت عدم توافق در خانواده و تمایل به طلاق تنها موضوعی که می‌توانست زندگی زنان را تأمین کرده و مشکلات آنان را برای ادامه مسیر زندگی برطرف کند مسئله مهریه بود. قانون اسلام نیز با در نظر گرفتن همین موضوع، مسئله مهریه را مطرح کرده است. اما متأسفانه برخی قانون‌گذاران ما هر چاکه به نفع‌شان باشد از اسلام هزینه می‌کنند، هر جالازم باشد از اقتصاد خرج می‌کنند و در مواقعی نیز از اجتماع. ظاهراً منفعت در این است که فعلاً به قانون اسلام توجهی نشود و مشکلات اقتصادی مردانی که ابتدا هنگام ازدواج تعهدات را می‌پذیرند اما بعدها به هر دلیلی هنگام جدایی از ایفای وظایف خود شانه خالی می‌کنند برطرف شود. در شرایط کنونی نیز نمایندگان مجلس در حمایت از این مردان وارد عمل شده‌اند. وقتی قانون همراه مطالبات و دغدغه‌های اجتماعی پیش نرود و نتواند امنیت زنان را در خانه، اجتماع و خانواده تأمین کند زنان به طور مداوم در معرض انواع خشونت قرار می‌گیرند. تنها به این بهانه می‌خواهند تعداد مجرمان مالی را کاهش دهند. در حالی که همه چیز متناسب با تورم رشد می‌کند اما قانون مادر حال سقوط است. چنین قوانینی حقوق اولیه زنان در ازدواج را مخدوش می‌کند. نکته دیگر اینکه انتظار ما از معاونت زنان بسیار بیشتر بود. معاونت زنان اگر می‌دید که در تعامل با نمایندگان مجلس نمی‌تواند مسأله را حل کند باید از جامعه مدنی کمک می‌گرفت. با این وجود متأسفانه تمامی درها را بست و نگذاشت جامعه مدنی، فعالان حوزه زنان، انجمن‌ها و احزاب زنان وارد میدان شوند. متأسفانه همه چیز هست درهای بسته مطرح شد. معاونت زنان در این زمینه کوتاهی بزرگی کرده و باید پاسخگوی جامعه زنان، دختران و مادران ما باشد.

عضو کمیسیون عمران مجلس:

در قانون سازوکارهایی برای صرفه جویی در مصرف انرژی پیش بینی شده است

شده و دستگاه‌های مرتبط از جمله راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران اقدامات خوبی انجام داده‌اند. اکنون در مراحل پایانی اجرای طرح قرار داریم و امیدواریم با جدیت پیگیری‌های لازم به نتیجه برسد تا کاهش مصرف انرژی به درستی جبران شود و سرمایه‌گذاران از مزایای این طرح بهره‌مند شوند. به گفته وی، یکی دیگر از مشکلات حوزه سرمایه‌گذاری، موضوع تأمین وثیقه بانکی است. در مذاکرات متعدد با بانک‌ها تأکید کرده‌ایم که طرح‌های تضمینی باید به عنوان وثیقه پذیرفته شود تا روند سرمایه‌گذاری تسهیل شود. مقرر شده بانک‌ها در این زمینه همکاری کامل داشته باشند.

است؛ به‌گونه‌ای که باید سهم حمل‌بار به ۳۰ درصد برسد و حداقل ۴۰ میلیون تن کالا از مسیر شبکه ریلی جابجا شود. این برنامه بیانگر ضرورت سرمایه‌گذاری در این بخش بر اساس قانون و در جهت منافع ملی است. رئیس کمیسیون عمران مجلس با بیان اینکه در قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، سازوکارهایی برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی از سوی بخش خصوصی پیش‌بینی شده است، گفت: بر اساس آن تفاوت صرفه‌جویی انرژی باید از سوی دولت و وزارت نفت محاسبه و در اختیار دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد تا به بخش خصوصی بازگردد. رضایی ادامه داد: در همین راستا کمیته‌ای تشکیل

نیز موثر باشد. سالانه نزدیک به ۲۰ هزار نفر در اثر تصادفات جان خود را از دست می‌دهند که توجه به این مهم می‌تواند به طور قابل توجهی تلفات را کاهش دهد. کوچی با اشاره به اینکه حمل کالا از طریق شبکه ریلی هم سریع‌تر و هم ارزان‌تر از جابه‌جایی جاده‌ای است و موجب کاهش قیمت تمام‌شده کالا برای مصرف‌کننده می‌شود، اضافه کرد: مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که جهت‌گیری فعلی کشور در جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در حوزه ریلی، کاملاً صحیح و آینده‌دار است. رضایی در ادامه عنوان کرد: در برنامه هفتم توسعه تکلیف مشخصی برای توسعه حمل‌ونقل ریلی تعیین شده



شاید اگر روابط تهران و بروکسل (پایتخت اتحادیه اروپا) متفاوت از امروز بود، می‌شد چنین تصور کرد که باردیگر این دو در یک «هم‌سویی مشارکت‌پذیر و راهگشا» در برابر سیاست چیره‌طلبانه واشنگتن قرار می‌داشتند. این هم‌سویی از آن رو مهم و تا حدود زیاد به رویکرد «راهبردی» نزدیک بود که مقاومت به نسبت جانبداری را در برابر یکجانبه‌گرایی دولت «دونالد ترامپ» شکل می‌داد. در واقع نگرش تقلیل‌گرایانه دولت ترامپ به اروپا و تحقیر آن با الفاظ کم‌بديل در «سند راهبردی امنیت ملی آمریکا»، شکاف در جبهه متحدان غربی را برجسته‌تر از هر زمان پس از پایان جنگ سرد کرده‌است. همین مهم می‌توانست برای تهران فرصت‌ساز باشد؛ اگر فرصت‌ها نسوخته بود. دولت ترامپ جمعه (پنجم دسامبر ۲۰۲۵) با انتشار سند راهبردی امنیت ملی ایالات متحده یک واقعیت مفهومی را به نه‌تنها جامعه بین‌الملل، بلکه جامعه جهانی نشان داد. در این سند که بلافاصله با استقبال کرملین روبرو شد، دولت مستقر کنونی در ایالات متحده به روشنی ابراز کرد که می‌خواهد بازنگر نفع‌جویی باشد که برای تحقق منافع خود، کمترین تمایل را به توزیع منافع میان متحدان اروپایی خود دارد. از این رو سند منتشر شده را می‌توان در چارچوب انگاره‌های ترامپ از موقعیت چگرگی طلایی واشنگتن در دوران حاضر تفسیر کرد. این انگاره‌ها در بستری از باورهایست که عبارتند از: منفعت‌جویی یکجانبه در حفظ مقتدرانه برتری اقتصادی و تکنولوژیک؛ برتری نظامی بلامعارض؛ آماده بودن ارتش این کشور برای دست زدن به هرگونه اقدام نظامی به صورت یکجانبه باهدف اعمال «اراده مبتنی بر قدرت» بدون نیاز به مشارکت دیگران؛ توانایی صدور تجاوزکارانه رژیم مطلوب خود با بهانه نژادشی شبیه آنچه اکنون در ونزوئلا جریان دارد. ترامپ در یکسال استقرار دولت دوم خود کوشیده است به جامعه بین‌الملل چنین الفا کند که قدرتی چیره و تجدیدنظر طلب است که با درمانده خواندن متحد دیرین خود؛ یعنی اروپا، می‌خواهد طرحی نو در شکل دهی به نظم بین‌المللی درآندازد. سیاست دولت ترامپ در قبال جنگ اوکراین و تلاش برای تحمیل صلح به کف براساس فرمول واشنگتن، جلا از ناپدیدگفتن حق حاکمیت سرزمینی اوکراین و حتی بی‌اعتبار کردن «تفاهم‌نامه بوداپست» در سال ۱۹۹۴ میلادی است بلکه نوعی تحمیل تحقیر به اروپا نیز هست. ترامپ با کمربنگ کردن نقش اروپا در تعاملات مربوط به مذاکرات پایان بخشی به جنگ اوکراین، جایگاه بروکسل را در هرگونه تغییر در مواضع اروپایی، اتحادیه اروپا و حتی ناتو به اندازه یک «ناظر منفعل» کاهش داده است. در تفاهم‌نامه بوداپست، اوکراین به همراه بلاروس و قزاقستان و نیز با حضور و امضاء رئیس‌ان جمهور ایالات متحده و قدراسیون روسیه خلع سلاح اتمی را پذیرفتند و به پیمان منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای پیوستند. شرط مهم برای انجام این امر آن بود که کشورهای امضاکننده متعهد باشند که در آرای و انگذاری زرادخانه‌های هسته‌ای، سه کشور یاد شده از موارد زیر برخوردار شوند: احترام به استقلال و حاکمیت آنها در مرزهایشان؛ پرهیز از هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه آنها؛ در صورتی که هریک از آنها (سه کشور) با اقدام تجاوزکارانه یا تهدید روبرو شدند، شورای امنیت به کمک آنها بشناید. همچنین در تفاهم‌نامه قید شد که از سلاح هسته‌ای علیه سه کشور هرگز استفاده نشود. اروپا اما در این میان چه انتخباتی دارد؟ در اینده که باید کند؟ آیا لازم است به سرعت به ایجاد «توازن قدرت» بیندیشد؟ یا به «همراهی عافیت طلبانه» با واشنگتن تن دهد؟ در این صورت چه پیامدهایی را می‌توان برای هریک از دو گزینه یاد شده در نظر آورد؟ دیدار چهار جانبه «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه، «کی‌راستارمر» نخست‌وزیر بریتانیا، «فردریش مرتس» صدراعظم آلمان و «ولادیمیر زلنسکی» در دونینگ استریت (یکشنیه هفتم دسامبر) یکی از آخرین نمایش‌های اروپائیان برای نه‌تنها تلاش در تأثیرگذاری بر رویکرد تحمیلی ترامپ به چگونگی پایان جنگ در اوکراین بود؛ بلکه تصویری از انفعالی است که اروپائیان را در برابر تحمیل سیاست چگرگی طلبانه واشنگتن قرار داده‌است. این سیاست، گوناگونی را نمی‌پذیرد و می‌کوشد نگرش خود را بالاتر از دیگران قرار دهد. اروپائیان در برابر دو گزینه قرار دارند: قبول چگرگی یا برقراری توازن قدرت. این وضع همانگونه است که تهران اکنون و در منازعه با واشنگتن با آن روبرو است. اروپا برای برقراری توازن قدرت به الزام‌هایی نیازمند است که یکی از اصلی‌ترین آنها وجود هم‌پیمانان یا شرکای منطقه‌ای؛ به‌ویژه در نقطه‌ای از جهان مانند خلیج فارس است. تهران نیز با نگاه به تجربه‌های خارج‌هه گذشته و حتی تجربه خروج واشنگتن از برجام، می‌توانست در این هنگام به «مدلی» و نه حتی هم‌سویی اروپا را کاستن از حلقه فشار واشنگتن امیدوار باشد؛ شاید اگر روابط تهران و بروکسل (پایتخت اتحادیه اروپا) متفاوت بود از آنچه امروز هست.